

در این شماره می خوانید:

- ICC نسخه جدید کتاب مبارزه با فساد مالی را منتشر کرد
- تغییر تاریخ برگزاری سمینار قراردادهای بازرگانی بین المللی، ۱۴ دی ماه ۸۷
- ICC برگزار کرد: نشست یکروزه فعالان تجارت جهانی
- کنفرانس روش های حل اختلاف در صنعت هوا و فضا در دیوان داوری ICC
- بیانیه ICC: همگرایی دیجیتال، یک فرصت اقتصادی
- نخستین نشست کارگروه قراردادهای فرعی ICC
- سمینار آموزشی قراردادهای بین المللی، ۲۶-۲۳ فوریه ۲۰۰۹
- هفتمین اجلاس کمیسیون بانکداری کمیته ایرانی ICC برگزار شد

مقاله اقتصادی هفته:

- ایران، بحران مالی و شرایط تازه

معرفی کتاب:

- شرط فورس ماژور

تغییر تاریخ برگزاری سمینار قراردادهای بازرگانی بین المللی ۱۴ دی ماه ۱۳۸۷

مهلت ثبت نام تا ۱۰ دی ماه تمدید شد

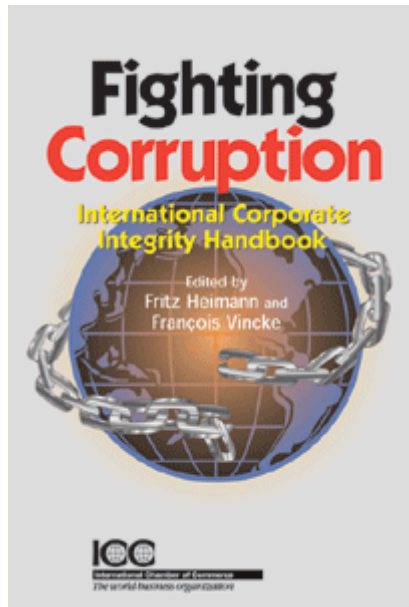


پیرو فراخوان سمینار قراردادهای بازرگانی بین المللی، کمیته ایرانی ICC اعلام می دارد که تاریخ این سمینار از روز چهارشنبه ۴ دی ماه ۱۳۸۷ به روز شنبه ۱۴ دی ماه ۱۳۸۷ تغییر یافت. لازم به ذکر است که برنامه سمینار مطابق اعلام قبلی می باشد.

این سمینار با حضور اساتید مجرب در زمینه قراردادهای بین المللی تشکیل خواهد شد. هزینه ثبت نام برای دانشجویان ۳۵۰/۰۰۰ ریال، اعضای کمیته ایرانی ۵۰۰/۰۰۰ ریال و برای غیر اعضا ۷۰۰/۰۰۰ ریال می باشد.

علاقمندان به شرکت در سمینار مذکور می توانند مبلغ فوق را به شماره حساب ۵۱۶۱/۰ بانک ملت شعبه شرکت نفت به نام کمیته ایرانی اتاق بازرگانی بین المللی واریز و اسامی شرکت کنندگان را به همراه تصویر فیش پرداختی حداکثر تا پایان وقت اداری روز سه شنبه ۱۳۸۷/۱۰/۱۰ به شماره نمابر ۸۸۳۰۸۳۳۰ کمیته ایرانی اتاق بازرگانی بین المللی (ICC) ارسال نمایند.

ICC نسخه جدید کتاب مبارزه با فساد مالی را منتشر کرد



اتاق بازرگانی بین المللی (ICC) در روز یکشنبه ۱۴ دسامبر ویرایش جدید کتاب مبارزه با فساد مالی را توزیع نمود. این کتاب با هدف راهنمایی کارشناسان اقتصادی در شناخت انواع فساد در بازارهای مالی و روش های مقابله با آن منتشر گردیده است و حاوی بخش جدیدی در ارتباط با کنوانسیون مقابله با فساد سازمان ملل است که در ویرایش پیشین وجود نداشت.

کتاب حاضر نوشته دو کارشناس مطرح جهان فرانسیوس وینک (Francios Vincke) رئیس کمیسیون ضد فساد مالی ICC و فریتز هیمان (Fritz Heimann) نائب رئیس این کمیسیون می باشد.

گفتنی است، فرانسیوس وینک از بنیانگذاران مؤسسه بین المللی Transparency و قاضی سابق دیوان داوری بروکسل است.

اتاق بازرگانی بین المللی در حاشیه کنفرانس تغییرات اقلیمی سازمان ملل برگزار کرد:

نشست یک روزه فعالان تجارت جهانی

۱۰ دسامبر ۲۰۰۸



اتاق بازرگانی بین المللی (ICC) در روز چهارشنبه ۱۰ دسامبر و در حاشیه برگزاری کنفرانس تغییرات اقلیمی سازمان ملل (COP 14) میزبان نشست یک روزه فعالان تجارت جهانی بود.

این نشست با هدف ارائه توصیه کارشناسی و بیان دیدگاه های تجاری به تغییرات اقلیمی و فعالیت کنوانسیون مربوطه در سازمان ملل متحد برگزار گردید.

شرکت کنندگان در این اجلاس بر ضرورت تدوین چشم انداز چهارساله با هدف

تقویت و حمایت سرمایه گذاری فعالان عرصه کسب و کار جهانی در بکارگیری تکنولوژی های روز توافق کردند.

در این کنفرانس، نیک کامپبل (Nick Campbell)، رئیس کارگروه تغییرات اقلیمی و تجارت اروپا، دانیل استامپ (Daniel Stump)، کارشناس حقوقی کمیته ملی ICC در کشور برزیل، برایان فلانری (Brian Flannery)، نائب رئیس کمیسیون محیط زیست و انرژی ICC، یاشیتو ایزومی (Yoshito Izumi)، مدیر کل امور مسئولیت اجتماعی شرکت ها از مؤسسه Taiheiyo Cement، ریتا روی شودهری (Rita Roy choudhury) از اتاق بازرگانی هند، لارنت کوربیر (Laurent Corbier) رئیس کمیسیون محیط زیست و انرژی ICC سخنرانی کردند.

چهاردهمین دور مذاکرات کنوانسیون تغییرات اقلیمی سازمان ملل (COP 14) در تاریخ ۱ تا ۱۲ دسامبر امسال، در شهر پوزنان لهستان برگزار شد. اتاق بازرگانی بین المللی (ICC) با هدف حمایت از معاهده تغییرات اقلیمی سازمان ملل و به منظور کاهش خطرات مرتبط با تغییرات آی و هوایی جهان، اقدام به تشکیل گروه کاری ویژه ای نمود که از ادغام اعضای دو کمیسیون محیط زیست و انرژی و مالکیت فکری تشکیل شده است. گفتنی است چهار زمینه اصلی از جمله افزایش بازده انرژی، ترغیب به استفاده از منابع انرژی تجدید پذیر از طریق کاهش هزینه های اجرایی، توسعه فن آوری ها و حمایت از توسعه پایدار، مضمون اصلی مباحث مطرح در این جلسه بود.

کنفرانس روش های حل اختلاف در صنعت هوا و فضا

در دیوان داوری بین المللی ICC



دیوان داوری بین المللی اتاق بازرگانی بین المللی (ICC) در تاریخ ۵ فوریه ۲۰۰۹ کنفرانس یکروزه ای را با عنوان روش های حل اختلاف در صنعت هوا و فضا با هدف انجام مذاکرات تخصصی در زمینه ضمانت نامه ها، قراردادهای و روش های حل اختلاف صنعت هوا و فضا برگزار می کند. این کنفرانس به دو زبان انگلیسی و فرانسوی ارائه می گردد.

اتاق بازرگانی بین المللی (ICC):

"همگرایی دیجیتال: یک فرصت اقتصادی"

نرگس فرزاد

کمیسیون تجارت الکترونیک، فن آوری اطلاعات و مخابرات (EBITT) اتاق بازرگانی بین المللی (ICC) به تازگی اقدام به انتشار بیانیه ای با عنوان "همگرایی دیجیتال: یک فرصت اقتصادی" نموده است.

این بیانیه با طرح موضوع همگرایی دیجیتال (Digital Convergence) به بررسی تأثیر گسترش فرایندهای دیجیتال و هماهنگی و همگرایی آن ها بر اقتصاد جهان می پردازد.

منظور از همگرایی دیجیتال شرایطی است که در آن ابزارهای دیجیتال برای نیل به هدف مورد نظر، هماهنگ با یکدیگر عمل کنند. همگرایی نتیجه توسعه سریع تکنولوژی دیجیتال است.

اتاق بازرگانی بین المللی (ICC) با بیان نقش فرایندهای دیجیتال در افزایش تولیدات و رفع موانع کسب و کار جهانی، آن را عامل مؤثری بر روند افزایشی توزیع کالا و خدمات و ایجاد ارتباط مستقیم میان مصرف کننده و تولید کننده می داند و همگرایی را سبب فراهم آمدن فرصت لازم در بهبود اثربخشی و کارایی بنگاه های اقتصادی بر شمرده است که خود موجب نوآوری بیشتر خواهد بود؛ در نتیجه فرصت های کسب و کار افزایش می یابد و دامنه فعالیت ها گسترش یافته، بهای پایین تر عرضه کالای تولیدی و خدمات را سبب می شود.

همچنین جریان یافتن اطلاعات دیجیتال، دسترسی به بازارهای خرید و فروش جهانی را تسهیل می کند و در نتیجه رقابت در بازارهای بین المللی بیشتر می شود.

علاوه بر منافع اقتصادی در بخشی از بیانیه مذکور به تأثیر همگرایی دیجیتال بر فعالیت های اجتماعی اشاره شده است که عبارتند از:

- تعاملات اجتماعی آن لاین و ایجاد فرصت های آموزشی، گسترش بهداشت عمومی، توسعه منطقه ای و ناحیه ای
- افزایش همکاری و مشارکت عمومی در فعالیت های اجتماعی
- یکپارچگی بیشتر مردم و ایجاد تشکل های غیر دولتی

جهت مطالعه متن کامل بیانیه ICC به آدرس زیر در وب سایت کمیته ایرانی مراجعه نمایید:

<http://www.icc-iran.com/english/LDefault.aspx?nid=24&did=1200>

نخستین نشست کارگروه قراردادهای فرعی ICC برگزار شد

نرگس فرزنان



کارگروه قراردادهای فرعی (Subcontracting) کمیسیون حقوق تجاری (CLP) اتاق بازرگانی بین المللی (ICC) در ۱۱ نوامبر ۲۰۰۸ تشکیل جلسه داد. این نشست، نخستین گردهمایی اعضای کارگروه مذکور پس از شکل گیری آن است. رابرت نوتسون (Robert Knutson)، رئیس کارگروه قراردادهای فرعی ICC گفت: «در این نشست مطالب مفیدی در خصوص تدوین پیش نویس قراردادهای فرعی ارائه و در خصوص طراحی الگوی پایه و اصول آن تصمیم گیری شد و ۳ اصل کلی مورد توافق نظر قرار گرفت. این اصول عبارتند از تدوین پیش نویس و الگوی قراردادهای فرعی به زبان انگلیسی، تدوین همه جانبه الگوها با در نظر گرفتن منافع طرفین و رعایت بخشنامه های بانک جهانی، FIDIC و اتاق بازرگانی بین المللی (ICC). اسامی اعضای کارگروه قراردادهای فرعی ICC:

- رابرت نوتسون (Robert Knutson) داور تجارت بین المللی از انگلستان، رئیس کارگروه
- دکتر لوتار هافمن (Dr. Lothar Hofmann) وکیل و مشاور حقوقی از اتریش
- فرانسیس گورال (Francine Gurrall) وکیل و مشاور حقوقی از فرانسه
- ایزابل اسمیت مونرویل (Isabelle Smith Monnerville) کارشناس حقوقی از فرانسه
- آندره مگیپینتو (Andrea Maggipinto) وکیل و مشاور حقوقی از ایتالیا
- اریک اجینک (Eric Eggink) مشاور ارشد حقوقی از هلند
- بنت ریستروم (Bengt Kristrom) مشاور حقوقی از سوئد
- ساویتری راتاناچاند (Sawitree Ratanachand) مدیر مؤسسه خدمات پشتیبانی SCG از تایلند
- ارکومننت اردم (Ercument Erdem) کارشناس حقوقی از ترکیه

همچنین مکس برگرشیدلین (Max Burger-Scheidlin) دبیر کل کمیته ملی ICC در اتریش و امیلی اکانر (Emily O'Connor) مدیر ارشد سیاستگذاری و خط مشی کارگروه BASCAP اتاق بازرگانی بین المللی (ICC) به عنوان میهمان در این جلسه حضور یافتند.

اتاق بازرگانی بین المللی (ICC) برگزار می کند:

سمینار آموزشی "قراردادهای بین المللی"



اتاق بازرگانی بین المللی (ICC) در تاریخ ۲۶-۲۳ فوریه ۲۰۰۹ میزبان سمینار آموزشی قراردادهای بین المللی با انجام مطالعات موردی بر مذاکرات، پیش نویس ها، حل اختلاف و رهیافت های قانونی و فرهنگی متفاوت است.

این سمینار با هدف بررسی مسائل ور به رشد جهانی در انعقاد قراردادهای بین المللی با تأکید بر جلوگیری از بروز اختلاف در این قراردادها پایه ریزی شده است.

در این نشست آموزشی چهار روزه، چهار سرفصل مذاکرات، پیش نویس ها، حل اختلاف و رهیافت های قانونی و فرهنگی متفاوت در قالب برگزاری مباحث کاربردی، ارائه مطالب عملی توسط کارشناسان بین المللی، همچنین جلسات بحث و تبادل نظر میان شرکت کنندگان و سخنرانان، گفتگوی متقابل و تشکیل پانل های مرتبط با موضوع جلسه، مورد بحث و تبادل نظر قرار خواهد گرفت.

جهت کسب اطلاعات بیشتر و دریافت بروشور این سمینار به آدرس زیر در وب سایت کمیته ایرانی مراجعه نمائید:
<http://www.icc-iran.com/english/LDefault.aspx?nid=24&did=1201>

هفتمین اجلاس کمیسیون بانکداری کمیته ایرانی ICC برگزار شد



کمیسیون بانکداری کمیته ایرانی اتاق بازرگانی بین المللی (ICC)، روز یکشنبه مورخ ۱۳۸۷/۰۹/۰۳ در محل کمیته ایرانی ICC تشکیل جلسه داد. به گزارش روابط عمومی کمیته ایرانی اتاق بازرگانی بین المللی در این نشست، فریده تذهیبی، دبیر کمیسیون بانکداری کمیته ایرانی ICC، محمد صالح ذوقی، دبیر افتخاری، همچنین جمعی از اعضای این کمیسیون حضور داشتند.

در ابتدای این نشست، فریده تذهیبی، دبیر کمیسیون بانکداری کمیته ایرانی گزارش مربوط به حضور خود در دو جلسه گروه تهیه کننده متن مقررات تجدیدنظر URDG در پاریس و کارگروه ضمانتنامه ها را به اطلاع اعضا رساند.

وی سپس با اشاره به این موضوع که کارگروه مبارزه با پول شوئی در اتاق بازرگانی بین المللی مأمور تهیه متنی به عنوان «Sanction Clause» شده و لذا کمیسیون بانکداری کمیته ایرانی در پی معرفی نماینده ای در کارگروه بوده است، خاطرنشان کرد: «در این ارتباط نامه ای از طرف کمیته ایرانی به ریاست کل بانک مرکزی ارسال شد و کمیته خواستار نظر بانک مرکزی در این مورد است و تا دریافت پاسخ از طرف بانک مرکزی اقدامی نخواهد کرد.»

در ادامه محمد صالح ذوقی، دبیر افتخاری کمیسیون بانکداری اظهار عقیده کرد که متن جدید مقررات ضمانت نامه های عندالمطالبه (URDG) با ادبیات مشکلی ارائه گردیده است و شاید درک این مقررات برای کشورهای غیر انگلیسی زبان، آسان نباشد.

وی سپس در خصوص بحران مالی جهانی، مشکلات نقدینگی، اشتغال، افزایش تقلب و کلاهبرداری و نوسانات نرخ ارز مطالب ارزشمندی را در اختیار حاضرین قرار داد.

در ادامه این جلسه موضوع بیانیه اتحادیه اروپا در خصوص بانک ها و شعب بانک های ایرانی در خارج از کشور و هشدار به نحوه مبادلات با آنها با توجه به قطعنامه های سازمان ملل، بخشنامه های جدید بانک مرکزی، معرفی اتحادیه برن به اعضای کمیسیون بانکداری توسط نماینده صندوق ضمانت صادرات مطرح گردید.

ایران، بحران مالی و شرایط تازه



دکتر محمد مهدی بهکیش

رویدادهای مالی که در آمریکا و غرب در ماه‌های گذشته رخ داد و موجب اظهارات متفاوتی در میان کارشناسان، اقتصاددانان و سیاستمداران در جهان و ایران شده است، ایجاب می‌کند پیش از ورود به بحث اصلی، دیدگاه خودم را درباره نظام اقتصاد بازار بیان کنم.

اقتصاد آزاد در تعریف مورد نظر من اقتصادی است که در آن سازوکار قیمت‌ها در صورتی که رقابت نسبی مناسب وجود داشته باشد، تصحیح‌کننده نوسان‌های بازار باشد. به همین دلیل است که اقتصاددان‌ها همواره تاکید دارند، دولت به جای نقش‌آفرینی از طریق دخالت در بازار باید با درک درست از اقتصاد بازار، مبنای رقابت را در میان فعالیت‌های اقتصادی افزایش دهد تا با افزایش رقابت، نرخ سود به حداقل برسد و در مقابل تلاش فعالان اقتصادی به حداکثر ارتقاء یابد تا آنها از این مسیر سهم خود را در بازار حفظ کرده یا گسترش دهند. به این معنی که اگر دولت توانایی ایجاد فضای رقابتی مناسب را در کسب و کار داشته باشد، عدالت برقرار خواهد شد یعنی عوامل تولید، از جمله نیروی انسانی، به نسبت مشارکت در تولید از آن سهم می‌برند. اما اگر رقابت ناقص باشد یا انحصار ایجاد شود، عرضه‌کننده توانایی تحمیل قیمت در سطحی بالاتر را به مصرف‌کننده پیدا می‌کند. این قیمت تحمیلی، حتما بالاتر از قیمتی است که با وجود رقابت می‌توانست در بازار وجود داشته باشد. شمار قابل توجهی از منتقدان اقتصاد آزاد معتقدند، رقابت کامل هرگز پدیدار نمی‌شود تا در آن بازار شمار زیادی عرضه‌کننده در مقابل تعداد پرشماری از مصرف‌کنندگان قرار بگیرند. این انتقاد البته تا حدودی درست است، اما از طرف دیگر باید پذیرفت اگر چه در تئوری، رقابت کامل چنین تعریف می‌شود، اما در عمل اگر بتوانیم به آن نقطه نزدیک شویم، مزیت‌های نظام اقتصاد بازار در کسب‌وکار و خرید و فروش را به چشم خواهیم دید. بنابراین نظام مکانیزم بازار، سازوکاری است که با پیام گرفتن از قیمت‌ها در بازار، عرضه و تقاضا را شکل می‌دهد و با آن سازگار می‌شود. در نتیجه، همواره یک دوره انطباق داریم که از یک بازار با بازار دیگر تفاوت دارد. اما هر آنچه که عوامل ایجاد اختلال در این انطباق وجود داشته باشند، دوره انطباق طولانی‌تر خواهد گردید. از طرف دیگر در کشورهایی که اقتصاد آنها غیررقابتی یا کمتر رقابتی است، نهاد دولت شاید به دلیل نگرانی، در بازار دخالت می‌کند و همین دخالت، مشکل‌ساز می‌شود. تجربه نشان داده است که دخالت دولت، فرآیند انطباق عرضه و تقاضا را از شتاب می‌اندازد و یا آن که مسیر آن را منحرف می‌کند. دیده شده است که وقتی این اتفاق می‌افتد، انگشت اتهام، سازوکار بازار را نشان می‌دهد در حالی که اگر سازوکار بازار آزاد اجازه پیدا می‌کرد در مسیر مناسب حرکت کند با تعدیل و تصحیح، انطباق کامل فراهم می‌آمد.

پرسشی وجود دارد که آیا سازوکار بازار مجبور است نوسان‌های شدید را تجربه کند؟ و آیا این نوسان‌های شدید از ماهیت سازوکار بازار سرچشمه می‌گیرند؟ تصور من این است که اگر دولت‌ها در محل سیاست‌گذاری و نظارت که باید قرار داشته باشند، قرار بگیرند، نوسان‌های بازار هیچ‌گاه شدید نیست. تجربه نشان می‌دهد دخالت‌های نادرست دولت‌ها یا عدم توانایی آنان در انجام دادن نقش هدایت و نظارت از طریق سیاست‌ها، موجب می‌شود، سازوکار بازار فضای مناسب برای عملکرد خود را از دست بدهد. برای روشن شدن این مفهوم، آوردن یک مثال پرفایده است: عامل اقتصادی در این سازوکار وظیفه‌اش این است که منافع خود را حداکثر کند و برخلاف تصور برخی، عامل اقتصادی وظیفه سیاست‌گذاری و تنظیم توزیع درآمد را برعهده ندارد.

عامل اقتصادی برای اینکه سود حداکثر را به دست بیاورد مجبور است از تکنولوژی برتر استفاده کند، ناگزیر است فرآیند تولید و عرضه را علمی کند، ناچار است کالایش را با قیمت‌های قابل رقابت عرضه کند و ...

البته عامل اقتصادی باید منافع جامعه و شهروندان را در مسیر حداکثر کردن سود لحاظ کند که به آن مسوولیت اجتماعی شرکتی (CSR) می‌گویند. معنای مسوولیت اجتماعی اما این نیست که شرکت منافع خود را نادیده بگیرد، بلکه معنایش این است که نمی‌تواند برای حداکثر کردن منافع به شهروندان آسیب برساند. عامل اقتصادی نمی‌تواند برای حداکثر کردن سود، محیط‌زیست را آلوده کند یا فعالیت غیرقانونی انجام دهد و یا از راه غیرقانونی رقیب را از بازار بیرون کند و همچنین نمی‌تواند رانت‌جویی کند. این نبایدها جزو وظایف بنگاه یا عامل اقتصادی است که او را برای حداکثر کردن سود در چارچوب قانون، اخلاق و اطاعت از سازوکار بازار محدود و محصور می‌کند.

باید توجه داشت که متعهد شدن به متغیرهای محدودکننده یاد شده، بستر مناسب اجتماعی ویژه خود را می‌خواهد که آن بستر و زمینه، دموکراسی است. به یک عامل اقتصادی یا بنگاه یا یک فرد نمی‌توان دستور داد که سازوکار رقابت را جزو تعهدات خود بداند، رقابت را بپذیرد و برای کسب سهم بیشتر از بازار، کیفیت و مطلوبیت تولید و قیمت‌های کاهنده را در دستور کار قرار دهد، اما به او آزادی انتخاب در محیط اجتماعی - سیاسی داده نشود.

این غیرواقعی است که شهروندان یک جامعه، آزادی انتخاب مسوولان را داشته باشند، اما آزادی انتخاب کالا در بازار از آنها سلب شود یا برعکس. آزادی، یک مفهوم عمومی است و اگر قرار است که رقابت افزایش یابد، چیزی که جهان به دنبال آن است، باید آزادی در روابط اجتماعی را به عنوان بستر مناسب برای محقق شدن رقابت بپذیریم. به عبارت دیگر، در یک نظام متمرکز سیاسی یا اقتصادی، رقابت به مفهومی که موجب بهبود بهره‌وری شود، قابل اعمال نیست.

وقتی این مفهوم و الزام‌های آن مورد تاکید قرار می‌گیرد و یادآوری می‌شود که آزادی یک کل واحد و تجزیه‌ناپذیر است و تنها با پذیرفتن این مفهوم می‌توان مزیت‌های آن را حس کرد، منتقدان می‌گویند چگونه است که چین در یک بستر غیر دموکراتیک توانسته است به رشد بالای اقتصادی دست یابد. پاسخ من این است که آن چه در چین اتفاق افتاده در زمان ریاست‌جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی در ایران نیز رخ داد. در آغاز دوره فعالیت ریاست‌جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی، ظرفیت‌های خالی زیادی در صنایع کارخانه‌ای و در سایر بخش‌های اقتصاد ایران وجود داشت که با تزریق سرمایه و سایر امکانات مادی، رشد چشمگیری در صنعت و در تولید ناخالص داخلی پدیدار شد و پس از پر شدن ظرفیت‌ها بود که آهنگ و میزان رشد آهسته شد. رشد بالای صنعت در چین در دو دهه گذشته همین‌طور بوده است و سرعت رشد در این کشور روندی کاهنده دارد. مطمئن هستم که رشد اقتصادی در یک نظام بسته سیاسی که در آن آزادی سرکوب می‌شود تداوم نخواهد داشت، زیرا که رشد در مکانیزم بازار متکی بر نوآوری است که در بستر تعامل آزادانه انسان‌ها شکل می‌گیرد و رقابت را به مسابقه‌ای برای خلاقیت بیشتر تبدیل می‌کند. رهبران چین اما هوشیارند و سعی دارند که آزادی مناسبات اجتماعی را در دستور کار قرار دهند.

سازوکار بازار آزاد اگر فضای مناسب را پیش‌رو داشته باشد و دولت وظیفه نظارت را به طور دقیق اجرا کند، نوسان شدید در اقتصاد آزاد دیده نخواهد شد، اما به دلیل نقص در نظارت و عدم استفاده مناسب از ابزارهای سیاستی موجب می‌شود که نوسان‌های شدید دیده شود و این اتفاق بارها در غرب رخ داده است. بزرگ‌ترین بحران‌های نظام غرب که در سال ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۲ رخ داد، به دلیل سوسیالیزه شدن کل دنیا (مابین دو جنگ جهانی) و از جمله در غرب پدیدار شد. پس از این رویداد بود که نهادهای بین‌المللی مثل صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و گات بعد از جنگ دوم جهانی ایجاد شدند تا جامعه‌ها را به سوی آزادی‌های اقتصادی هدایت کنند. جهانی شدن اقتصاد بلافاصله پس از پایان جنگ جهانی دوم بنا گذاشته شد و در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ رو به شتاب گذاشت. با توجه به نکات یاد شده می‌توان گفت که بحران فعلی غرب به این دلیل پیدا شد که دولت کار نظارتی خود را به خوبی انجام نداد. از ۱۹۹۵ سازمان تجارت جهانی (WTO) شروع به کار کرد و گردش سرمایه در

دنیا آزادی بیشتری پیدا نمود و انتقال پول از مقررات ملی رهایی پیدا کرد و توسعه و رشد فوق‌العاده صنعت ارتباطات نیز به این مساله کمک کرد، اما در برابر این آزادی‌ها و حذف مقررات ملی، مقررات تازه‌ای ایجاد نشد. اتاق بازرگانی بین‌المللی (ICC) که وظیفه‌اش سیاستگذاری و ایجاد مقررات بین‌المللی است بسیار تلاش کرد تا به مسوولان دولت‌ها یادآور شود که مقررات بین‌المللی برای تنظیم بازار سرمایه ضرورت دارد، اما در این کار موفق نبود و در نتیجه بحران عمیق ماه‌های اخیر رخ داد. به همین دلیل است که دنیای غرب و کشورهای که سازوکار اقتصاد آزاد را محور سیاست‌های اقتصادی قرار داده‌اند، قصد دارند تعریف تازه و دوباره‌ای از نظارت دولت‌ها بر سازوکار بازار ارائه دهند. به عبارت دیگر نظام برتون وودز (Bretton Woods) که سازوکار آزادی اقتصادی در جهان را پس از جنگ دوم جهانی بنا نهاد، امروز قادر به این کار نیست و شاید مقصر اصلی آن آمریکا است که مسیر این نظام را از اوایل دهه ۱۹۷۰ تغییر داد.

یادمان باشد که جهانی شدن اقتصاد، کار را بسیار دشوار کرده است و دولت‌های ملی قدرت، نفوذ و اختیار سابق را ندارند و مقررات باید جهانی باشد. در بخش خصوصی، اتاق بازرگانی بین‌المللی باید این کار را انجام می‌داد که سرعت کمی داشت و دولت‌ها از این مسائل غافل شدند. وقتی نظارت کافی بر سازوکار بازار نباشد، واکنش عرضه و تقاضا به دلیل نقص رقابت، نامناسب و نامتعادل شده و چنین رویدادهایی پدیدار می‌شوند. البته یادمان باشد که سازوکار بازار این امکان را دارد که سیستم را تصحیح کند، اما همان طور که یادآور شد تصحیح مسیر رشد هزینه بر است. منتقدان اشتباه نکنند، سازوکار بازار، نیرومندی فوق‌العاده‌ای برای تخصیص کارآمد و بهینه منابع دارد و تجربه ۵۰ سال اخیر این توانایی را نشان داده و رشدهای بالایی را در کشورها و جهان به وجود آورده است. از طرف دیگر، در همین ۵۰ سال اخیر، دیده‌ایم که نظام‌های اقتصادی متمرکز ضمن اینکه توانایی ایجاد رشدهای بالا، مستمر و پایدار را نداشتند، وقتی با نوسان و بحران مواجه شدند، فاقد قدرت خود اصلاحی بودند و در نتیجه متلاشی شدند. تجربه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی که سرانجام فرو پاشید، نمونه‌ای بارز از این ناتوانی است. اما در کشورهای دارای اقتصاد آزاد، بحران‌های زیادی دیده شده است که خود نظام آنها را تصحیح کرده است. بحران‌های اقتصادی در کشورهای غربی در سه دهه گذشته، به عنوان نمونه، کم نبوده‌اند که مکانیزم بازار آنان را تصحیح کرده است و علی‌رغم آنها، جهان به رشد شتابان خود ادامه داده است.

با این همه، برای اینکه هزینه نوسان‌ها کاهش یابد، دولت‌ها باید سازوکاری ایجاد کنند که امر سازماندهی و نظارت کارآمد شود. به همین دلیل است که شاید برتون وودز جدیدی مورد نیاز باشد. بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول در نیم قرن گذشته وظیفه کمک و هدایت را داشتند، اما به نظر می‌رسد در شرایط جدید نمی‌توانند سازماندهی کارآمد داشته باشند. بازتعریف سازمان ملل متحد و سازمان‌های اقتصادی زیرمجموعه این نهاد با هدف تنظیم بازار بین‌المللی و شاید ایجاد ضمانت اجرایی، به این دلیل که اکنون در حد بسیار کم است، در دستور کار قرار گرفته تا نقش تنظیم‌کننده‌ای نسبی در جهان را بر عهده بگیرند. ادبیات اقتصادی - سیاسی حاکم بر کشورهای توسعه نیافته در دهه‌های اخیر تغییر کرده و واژگانی چون عدم وابستگی، دیگر معنای قدیمی را در عالم واقع از دست داده و وابستگی متقابل و تعامل مشترک جای آن را گرفته است. جهان در حال توسعه در شرایط وابستگی متقابل این توانایی را پیدا کرده است که طرف همیشه مقهور نباشد و احساس ناتوانی نکند، چراکه در وضعیت تازه و معادلات جدید، امکانات متعددی برای عرضه به جهان پیدا کرده است. تحولات اقتصاد آمریکا در ۱۰ سال گذشته نشان می‌دهد که چگونه به اقتصاد هند، چین و حتی ایران به دلایلی وابسته شده است. این تفکر نادرستی است که کشورهای در حال توسعه تصور کنند در برابر تعامل با آمریکا، به عنوان بزرگترین اقتصاد جهان، چیزی برای عرضه ندارند. یاد می‌آید روزی مهاتیر محمد، که در ایران بود، در جمعی گفت: «ای کاش جمعیت ایران متعلق به مالزی بود». جمعیت جوان، تحصیلکرده و پرنرژی ایران چیزی است که مهاتیر محمد آرزوی آن را برای مالزی داشت. واقعیت این است که ما از امکاناتی که در اختیار داریم غافل شده‌ایم و نتوانسته‌ایم از این امکانات گسترده به طور کارآمد استفاده کنیم و آن را برای فروش یا دادوستد و تبادل عرضه کنیم.

موقعیت جغرافیایی ایران مزیت بزرگی است که از آن به درستی بهره برداری نکرده ایم و یا منابع نفت و گاز که تخریب کننده مبانی اقتصادی کشور شده اند، در حالی که می توانیم از این امکانات در مبادلات بین المللی به درستی بهره برداری کنیم و به تعبیر واژگان دوران سوسیالیسم، کشورهای پیشرفته را به خود وابسته نماییم. در دنیای امروز، کشورها هر کدام بر پایه وضعیتی که دارند و امکاناتی که فراهم می آورند، می توانند در تعامل با کشورهای دیگر زمینه وابستگی متقابل را به وجود آورند، با قدرت عمل کنند و نگران نباشند که در تعامل با جهان، می تواند تحمیلی بر آنها صورت پذیرد. کشورهای زیادی هستند که در این کار الگوی خوبی به وجود آورده اند. اما باید توجه کرد که برای استفاده از امکانات ایران در مسیر ایجاد وابستگی متقابل، باید قواعد بازی را پذیرفت و بنابراین در قالب مکانیزم بازار و دموکراسی، امکانات بالقوه کشور را به فعل تبدیل کرد. ایران کشوری در حال توسعه است که قرن ها با نظام متمرکز مدیریت شده و برای شهروندان، عدم ابراز عقیده، که مخالفتی با جریان غالب در مملکت داشته باشد، نهادینه شده است و باور ندارند که می توانند آزادانه ابراز عقیده و رای کنند، در حالی که ممکن است دولت واقعاً مانع آن کار نباشد. کالبدشکافی این شرایط، در بستر تاریخ، نشان می دهد که شهروندان در این باره محق هستند، اما دولت ها وظیفه دارند سازوکاری که منجر به ابراز آزاد عقاید و آرای شهروندان می شود را فراهم کنند تا فایده های آن به کل جامعه برسد. باید شهروندان را آموزش داد تا بیاموزند که ابراز عقیده آزاد، به منظور تصحیح و نه تخریب، به نفع جامعه است. یادمان باشد که دنیا به سرعت در حال رشد است و شرایط سیاسی هم در حال تحولات بنیادین می باشد. آمریکایی که روزی به عنوان کشور تحمیل کننده شناخته می شد، امروز می تواند یک رنگین پوست را به عنوان رییس جمهور و نفر اول کشور انتخاب کند که تا چند دهه پیش حتی نمی توانست در اتوبوس سفیدان سوار شود و بسیاری از مسوولان ارشد ایرانی این امر را غیرممکن می دانستند. این تجربه نشان می دهد که شاید شرایط جدید در آمریکا، ضرورت نگاه تازه ای به آن جامعه را ایجاد می نماید و شاید ضرورت دارد که برداشت های خودمان از آمریکا را باز تعریف کنیم. زیرا جامعه ای که در شرایط فعلی می پذیرد که یک فرد سیاه پوست را به عنوان رییس جمهور در بالاترین مقام سیاسی و اجرایی کشور قرار دهد، نشان می دهد دموکراسی واقعی وجود دارد و شهروندان به صورت واقعی صاحب حق و صاحب رای هستند. علاوه بر این، باید قبول کنیم که شهروندان کنونی ساکن در آمریکا، همان شهروندان ۴۰ سال پیش نیستند که اجازه نمی دادند یک سیاه پوست در رستوران آنها غذا بخورد. شهروندان آمریکایی از این مرحله عبور کرده اند و این در ذهن آنها نهادینه شده که می توان یک رنگین پوست را به عنوان رهبر برای یک دوره معین انتخاب کرد. این تحول شگرف در جامعه آمریکا و غرب، به دلیل شتاب بالای جهانی شدن است. به این ترتیب، ایرانیان می توانند و باید از چاله تصورات قبلی نسبت به جهان، خارج شده و با سرعت و شتاب لازم، تعریف تازه ای از خود و جهان پیدا نمایند. باید جهان فعلی را درست بشناسیم و بر اساس منافع ملی با آن رابطه برقرار کنیم.

سازوکار بازار مزیت های پر شماری دارد که مهم ترین آن ها حفظ عدالت به معنای توزیع ثروت بر اساس کارایی است. برای این که این سازوکار بتواند به شکل کارآمد عمل کند، دو شرط وجود دارد. شرط اول هدایت و نظارت صحیح دولت است و شرط دوم بستر آزادی اقتصادی و دموکراسی است. جهان در حال توسعه از جمله ایران این قدرت را دارد که بدون نگرانی از این که چیزی بر او تحمیل شود، با استفاده از سازوکارهای شناخته شده امروز و بدون نیاز به ابزار سیاسی، جایگاه مناسبی در اقتصاد جهان داشته باشند. شاید برخی فکر کنند امتیاز ایران وجود منابع نفت است، اما تصور من این است که موقعیت سوق الجیشی، کیفیت و ترکیب جمعیتی ایران، متغیرها و عناصری بسیار با اهمیت تر از نفت هستند.

ایران در جایی از جهان قرار گرفته است که می تواند نقش و سهم قابل توجهی از مبادلات جهانی را به خود اختصاص دهد. ایران دروازه ورود شرق به غرب است، ایران مرکز مناسبی برای توزیع در کشورهای مشترک المنافع (CIS)، خاورمیانه و شمال آفریقا است، اما به این دلیل که نگران تحمیل ها بودیم وارد تعامل مناسب با جهان نشدیم. ایران ارزیابی مناسبی از امکانات خود ندارد و به دلیل عدم استفاده از توانایی های اقتصادی خود، ناگزیر شده است از ابزار سیاسی در تعامل با جهان استفاده کند. چون

ابزارهای اقتصادی را به کار نگرفتیم و بنابراین ابزار سیاست، نقش اول در تعامل ما با جهان شده است، بدین ترتیب نوک پیکان را به طرف دشمن گرفته‌ایم. تصور من این است که در دنیای امروز دشمن به معنای قرن نوزدهمی وجود ندارد. امروز دشمن به رقیب تبدیل شده است. معلوم است که یک رقیب حتماً به این فکر است که منافع خود را حداکثر کند؛ حداکثر کردن منافع چیزی است که ایران نیز باید به آن بیاندیشد. نکته‌ای که وجود دارد این است که باید بیاموزیم در بازی شطرنج جهانی چگونه باید بازی کرد که منافع ایران حداکثر شود. بحران فعلی غرب به دلیل شتابی که جهانی شدن دارد به سرعت در حال رسیدن به جامعه‌های دیگر است. وام‌هایی که بسیار آسان و بدون نظارت به شهروندان آمریکایی ارائه شد، تقاضای آن را افزایش داد و تقاضای بالای مسکن به رشد قیمت آن در آمریکا کمک کرد. بانک‌ها وقتی رشد قیمت مسکن را دیدند، عرضه وام را افزایش دادند تا این که قیمت‌ها به نقطه عطف رسید و قیمت مسکن در سرازیری افتاد و گفته می‌شود ۱۰ میلیون مالک خانه ترجیح دادند به جای پرداخت وام، خانه‌های خود را در اختیار بانک‌ها بگذارند. این وضعیت موجب شده است که مصرف‌کنندگان احتیاط کنند و وقتی که ناتوانی بانک‌ها در پرداخت طلب مشتریان آشکار شد بحران مسکن پیدا شد. بحران مسکن به بحران تقاضا تبدیل شد. وقتی تعامل مصرف و سرمایه‌گذاری دچار اختلال گردید و سست شد، سرمایه‌گذاری آسیب دید و به دلیل این که بانک‌های جهان شبکه‌ای شده‌اند، بحران به همه کشورها رسید. ایران نیز آسیب و تاثیر جدی دیده و خواهد دید. این تاثیرپذیری اما از ناحیه تعامل مالی نبود و آسیب‌ها از طریق کاهش قیمت نفت به ایران رسیده و می‌رسد. کاهش درآمدهای ایران از درآمد نفت، به دلیل عدم توجه دولت به نقش حساب ذخیره ارزی، به سایر بخش‌ها آسیب می‌رساند.

یک نهاد جهانی برآورد کرده است که اقتصاد ایران اگر با قیمت نفت کمتر از ۹۰ دلار در هر بشکه مواجه شود، شرایط بدی پیدا خواهد کرد.

آسیب دوم ایران به علت کاهش صادرات غیرنفتی به دلیل کاهش تقاضا و از طرف دیگر به دلیل کاهش قیمت این صادرات است که بخش قابل توجهی از آن را میعانات گازی تشکیل می‌دهد.

نتیجه این فرآیند را می‌توان به‌طور خلاصه چنین بیان کرد که اقتصاد، جهانی شده است و ما بخواهیم یا نخواهیم تحت تاثیر این پدیده واقعی قرار داریم.

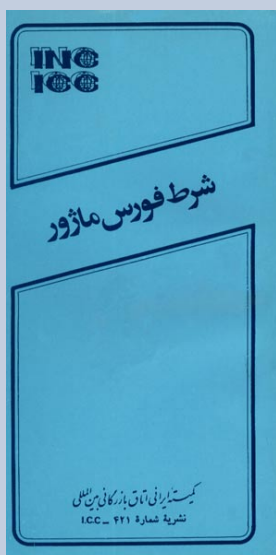
بحث در این باره که آیا جهانی شویم یا نشویم، یک داستان قدیمی است و امروز جایی در میان بحث‌ها ندارد. مرزهای ایران در شمال که روزی به دلیل وجود اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی (سابق) روی ورود کالاها بسته مانده بود، امروز به محل دادوستد تبدیل شده است. بخشی از مرزهای ایران در جنوب و غرب که روزی به دلیل وجود رژیم بعثی در عراق مسدود بود در شرایط حاضر باز شده است و دادوستد کالا جریان دارد.

اقتصاد کشورهای همسایه ایران با اقتصاد جهان پیوند واقعی دارند و ایران نمی‌تواند از این فرآیند و وضعیت دوری کند. تنها تاثیر بحث‌هایی مثل اینکه جهانی شویم یا نه، این است که آمادگی ایران برای ورود به صحنه جهانی با تاخیر مواجه شده است و تدبیرهای لازم برای کارآمدی در این عرصه را دیرتر انجام داده‌ایم. این وضعیت موجب شده است که صنعت ایران آسیب ببیند. اگر آمادگی کافی داشتیم تا به صورت فعال در عرصه جهانی شدن حاضر باشیم، صنایع ما امروز کمتر آسیب می‌دید. یادمان باشد تمهیدات و تدبیرهایی که برای حمایت از صنعت نیاز داریم، دیگر از جنس حمایت‌های غیرواقعی و غیراصولی نیست. تدبیرهایی که امروز نیاز داریم این است که قدرت رقابت‌پذیری تولیدات صنعتی ایران را افزایش دهیم. باید صنعت ایران بیاموزد که بدون رقابت پذیر شدن دیگر نمی‌تواند نقش پیشرو در اقتصاد کشور داشته باشد و اگر به این مهم توجه نشود -همچنان که تا به امروز از آن غافل مانده ایم- تجارت جای صنعت را در راهبری اقتصاد خواهد گرفت. هر چند تجارت نقش مهمی در تعریف مزیت های کشور دارد ولی نمی‌توان کشور را بدون دارا بودن صنعتی رقابت پذیر، به درستی اداره کرد و بیکاری گسترده از پی‌آمدهای اولیه آن است.

(مأخذ مقاله: سایت رستاک www.rastak.com)

معرفی کتاب:

شرط فورس ماژور



" شرط فورس ماژور "

نشریه شماره ۴۲۱ اتاق بازرگانی بین المللی
کتاب شماره ۱۴ کمیته ایرانی اتاق بازرگانی بین المللی
ترجمه: دکتر محسن محبی

چاپ اول: ۱۳۶۹

تیراژ: ۵۰۰۰ جلد

چاپ: شیرین

ناشر: کمیته ایرانی اتاق بازرگانی بین المللی
مرکز پخش: خ طالقانی، شماره ۲۵۴، طبقه پنجم، کمیته
ایرانی اتاق بازرگانی بین المللی
تلفن: ۸۸۳۰۶۱۲۷ دورنگار: ۸۸۳۰۸۳۳۰

یکی از اهداف اساسی و سازمانی اتاق بازرگانی بین المللی، " تسهیل
مراودات تجاری بین المللی " است.

یکی از کارسازترین و مهمترین ابزارهای تحقق و دستیابی به این هدف،
تدوین و تنظیم ضوابط و مقررات متحدالشکل یا بعضی شرایط قراردادی
یکسان و استاندارد است که در همه قراردادها قابل استفاده باشد؛ چراکه
یکسانی و یکنواختی بستر و چارچوب های مراودات و روابط تجاری
بین المللی سبب کاهش بروز اختلاف شده و در نتیجه توسعه روابط
تجاری و مراودات بین المللی تسهیل می گردد.

اجرای قرارداد طرفین را متعهد می کند که شرایط و مفاد آن را رعایت
نمایند. معذک حوادث پیش بینی نشده که ربطی به طرفین ندارد می تواند
بر تعهدات متقابل ایشان در برابر یکدیگر اثر نهد و حتی اجرای قرارداد
را متعذر یا غیرممکن سازد . بنابراین طرفین باید هنگام تنظیم و انعقاد
قرارداد ، تعهدات خود را طوری طراحی و برنامه ریزی کنند که آمادگی
و پاسخ لازم برای برخورد با هرگونه پیش آمد غیرمنتظره از قبیل فورس
ماژور را داشته باشند . این جزوه که حاوی شرط فورس ماژور برای درج
در قراردادهای بین المللی است ، با همین هدف تنظیم و فراهم شده
است تا اگر طرفین قراردادهای مذکور مایل باشند بتوانند با استفاده از
آن در برابر حوادث فورس ماژور پیش بینی لازم را نمایند و از این
رهگذر انجام تجارت بین الملل تسهیل گردد.

شرط فورس ماژور اتاق بازرگانی بین المللی اصولاً برای درج در
قراردادهای بین المللی تدوین و فراهم گردیده و سعی شده است طوری
طراحی شود که جامع و مانع باشد.